

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿فَإِذَا بَلَغَ أَجْلُهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً (۲) وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳) وَاللَّائِي يَسْنَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِذَا رَبَّيْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴) ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (۵)﴾

سوره مبارکه «طلاق» که در مدینه نازل شد، بخشی از فروع طلاق را بیان کردند. البته طلاق امری است حلال؛ لکن «عند الضرورة» عمل می‌شود و در حال عادی همان روایتی که از ائمه (علیهم السلام) رسیده است طلاق باعث ویرانی خانه است و اگر وجود مبارک رسول گرامی (علیه و علی آله آلاف التَّحیة و الثَّناء) مأمور به طلاق شدند در بعضی از موارد، این برای بیان اصل حلیت است؛ وگرنه آن خطر طلاق را که ویرانی خانگان است به همراه دارد.

در آیه اول فرمودند که ﴿وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾؛ عده طلاق را نگه دارید. تنها برای طلاق رجعی نیست که ﴿لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾، این اهمیت مسئله احصاء عده در چند فرع است: یکی در مسئله رجوع است که در طلاق

رجعی باید عده محفوظ بماند، زیرا در زمان عده نفقه واجب است، کسوه واجب است، مسکن واجب است، اخراج زن از بیت حرام است، خودش بخواهد خانه را ترک کند حرام است و در زمان عده، رجوع ممکن است بدون عقد مستأنف و مانند آن. اینها احکامی است که مترتب بر عده رجعی است. اما عده چقدر است که ﴿أَخْصُوا الْعِدَّةَ﴾؛ عده را احصا کنید! بخشی از اینها در سوره مبارکه «بقره» آمده، بخشی هم در همین سوره «طلاق». آنچه در سوره مبارکه «بقره» آمده یک مقدارش طلاق ذات حمل است که ذات حمل عده‌اش همان وضع حمل است. در آیه ۲۲۸ سوره مبارکه «بقره» این بود که ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾؛ زن‌هایی که اهل عادت‌اند سه طهر یعنی در طهر غیر مواقعه وقتی طلاق واقع شد، باید دو بار حیض ببینند و بعد از هر بار که حیض دیدند طاهر بشوند تا در طهر سوم حکم خاص خودش را پیدا کند. این سه طهر را باید به عنوان عده نگه دارد، ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ که ﴿لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ﴾، در طلاق رجعی ﴿وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ﴾ و مانند آن. در طلاق وفات عده او چهار ماه و ده روز است، که آیه ۲۳۴ سوره «بقره» این بود: ﴿وَالَّذِينَ يَتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾، مرد که بمیرد زن چهار ماه و ده روز باید عده نگه دارد. گرچه آن انفساخ است نه طلاق، چون فاصله بین زن و مرد گاهی به طلاق است گاهی به فسخ است گاهی به انفساخ. انفساخ یعنی قهراً این علقه زوجیت منقطع می‌شود. این انفساخ یا تکوینی است نظیر مرگ مرد، زن هم که البته همین طور است. یا تشریعی است نظیر ارتداد «أحدهما» معاذالله. «أحدهما» که مرتد بشوند عقد همان لحظه منفسخ می‌شود. در جریان مرگ فرمود: ﴿وَالَّذِينَ يَتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ﴾، این عده هست ولی عده طلاق نیست. ﴿يَذَرُونَ أَزْوَاجًا﴾، اینها ﴿يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾، چهار ماه و ده روز باید عده نگه دارد. این عده انفساخ است نه فسخ و نه طلاق.

اما بخش‌های دیگر را در همین سوره مبارکه «طلاق» بیان کردند که: ﴿وَاللَّائِي يَئْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ﴾ زن‌ها اگر «فی سنّ من حیض» هستند و «تحيض» هستند که همان ﴿ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ است و اگر در سن «من لا تحيض» هستند که یائسه‌اند یا مشکوک‌اند که آیا یائسه‌اند یا یائسه نیستند ولی «لا تحيض»‌اند، اینها ﴿فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ﴾، آن سه طهر برای کسی است که اهل عادت است، این سه ماه برای کسی است که اهل عادت نیست. حالا یا یائسه است یا هنوز به یائسه نرسیده، یا سن بالاست یا پایین. ﴿وَاللَّائِي يَئْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ﴾، این یک گروه؛ ﴿وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ﴾، گروه دیگر. یا سن از حدّ حیض گذشت سه ماه است، یا به سن حیض نرسیده سه ماه است و آن مرگ عدّه هست؛ اما عدّه طلاق نیست عدّه فسخ نیست عدّه انفساخ است و آنهایی که باردار هستند عدّه آنها وضع حمل است. فرمود: ﴿وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾.

پرسش: سه تا قرء با سه تا طهر چه فرقی دارد؟

پاسخ: قرء گاهی به معنی حیض است گاهی به معنی طهر. آن را فقه و روایت باید مشخص کند.

پرسش: سه تا طهر سه ماه می‌شود.

پاسخ: نه گاهی کمتر از سه ماه است گاهی بیشتر از سه ماه است. این به عادت زن وابسته است. غالباً در ماه

اتفاق می‌افتد، ولی گاهی کمتر از ماه است گاهی بیشتر از ماه است و اما در مسئله یائسه یا ﴿وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ﴾ همان سه ماه است.

«فَتَحَصَّلَ» که عده گاهی چهار ماه و ده روز است، گاهی سه طهر است، گاهی سه ماه است، گاهی به وضع حمل است؛ منتها آن چهار ماه و ده روز عده طلاق نیست، عده فسخ نیست، عده انفساخ است، چون مرگ نه طلاق است نه فسخ، انفساخ قهری است. حالا این تفصیلش به خواست خدا روشن می شود.

غرض آن است که اینکه در اولین آیه سوره «طلاق» فرمود: ﴿وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾، اختصاصی به طلاق رجعی ندارد، اختصاصی به طلاق سه طهر ندارد؛ در هر طلاقی یک عده هست. اما در جریان مرگ مشمول این نیست، آن یک بحث دیگری است، آن انفساخ است نه فسخ است و نه طلاق. ﴿أَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾ ناظر به این است این اصل کلی است این به منزله متن است، شرحش مقداری در سوره «بقره» گذشت که ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾، سه قسم آن هم در آیه چهار همین سوره است که ﴿وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ﴾، ﴿وَاللَّائِي يَسْنَنَ﴾ و ﴿وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ﴾. این سه قسم را در آیه چهارم همین سوره بیان کرد.

فرمود: ﴿فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾ که گذشت. این اِشهاد امر واجب است، یک؛ وجوبش هم وضعی است و نه تکلیفی، دو. یعنی چه وضعی است؟ یعنی شرط صحت طلاق اِشهاد است. نه اینکه اِشهاد یک واجب تکلیفی باشد؛ نظیر اینکه ﴿إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾^۱ وضو واجب تکلیفی نیست واجب وضعی است؛ یعنی «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهُورٍ»^۲ شرط صحت صلات که واجب است وضوست نه اینکه وضو واجب است. البته وضو ذاتاً مستحب است، و این طور نیست که خود وضو واجب مستقل باشد که اگر کسی نماز نخوانده دو تا عقاب داشته باشد یکی وضو نگرفته یکی نماز نخوانده است. وضو واجب وضعی است نه واجب تکلیفی. مستحب نفسی است و واجب وضعی. این هم که دارد شهادت بدهید اِشهاد کنید، این وجوب وضعی دارد.

۱. سوره مائده، آیه ۶.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳.

اینکه می‌گویند امر برای وجوب است درست است؛ اما وجوب گاهی تکلیفی است گاهی وضعی. نظیر ﴿فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾ واجب است، ﴿أَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ﴾ واجب است؛ منتها وجوب وضعی دارد.

﴿وَأَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ﴾، منتها این شهادت اقامه‌اش «لله» باشد. قرآن کتاب موعظه است «جذب الخلق الى الحق» است شفا است: ﴿وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ﴾^۳ چه اینکه فرمود: ﴿هُدًى لِلنَّاسِ﴾^۴ اما کسی که از او بهره می‌برد مؤمن است. با اینکه قرآن ﴿هُدًى لِلنَّاسِ﴾^۵؛ اما در سوره «بقره» فرمود: ﴿هُدًى لِلْمُتَّقِينَ﴾^۶ چون اهل تقوا هستند که استفاده می‌کنند؛ وگرنه او ﴿هُدًى لِلنَّاسِ﴾ است. این هم «موعظة للناس» است؛ اما کسی که از این موعظه پند می‌گیرد مؤمن است. فرمود: ﴿يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾. وگرنه این موعظه است برای همه، هدایت است برای همه، نور است برای همه، مصباح است برای همه و مانند آن.

﴿ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ و چون تعلیم و ترکیه در قرآن کریم کنار هم یاد شده است فرمود: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾، اگر کسی اهل تقوا باشد هرگز در کار نمی‌ماند. نه در شبهات علمی که حوزه و دانشگاه با آن روبه‌رو هستند می‌ماند، به هر حالیک راه حل پیدا می‌کند؛ یا خودش حل می‌کند یا هم‌بخش حل می‌کند، یا استادش حل می‌کند، یا شاگردش حل می‌کند. خیلی از بزرگان گفتند که بسیاری از شبهات ما به وسیله شاگردان ما حل شد. طرزی سؤال کردند یا طرزی احتمال دادند، یا طرزی مطرح کردند که ما خودمان متوجه شدیم. خیلی از بزرگان در شرح حالشان آمده است. خدا به هر وسیله‌ای باشد این شبهه را حل می‌کند. این بیان نورانی حضرت که فرمود اگر کسی اهل تقوا باشد «مَخْرَجًا مِنْ شُبُهَاتِ الدُّنْيَا وَمِنْ غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَشِدَائِدِ يَوْمِ

۳. سوره اسراء، آیه ۸۲.

۴. سوره انعام، آیه ۱۸۵؛ سوره آل عمران، آیه ۴؛ سوره انعام، آیه ۹۱.

۵. سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۶. سوره بقره، آیه ۲.

الْقِيَامَةِ»^۷ همین است. اگر مشکل اقتصادی و اینها داشته باشد حلّ می‌شود. ممکن نیست کسی اهل تقوا باشد و بماند.

این وعده الهی است و خدا ﴿لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾^۸، هیچ ممکن نیست خدا خُلف وعده بکند. اگر جامعه اهل تقوا

باشد هیچ چیزی آن را از پا در نمی‌آورد. حضرت هم فرمود آیه‌ای نازل شده است که تمام مشکلات را حلّ می‌کند؛

منتها اینها بیراهه نروند. اینها که بیراهه نروند آن ذات اقدس الهی اینها را از هر خطری نجات می‌دهد.

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ هست این سه قسمت است که فرمود:

«مَخْرَجًا مِنْ شُبُهَاتِ الدُّنْيَا وَمِنْ غَمَرَاتِ الْمَوْتِ» در هنگام احتضار «وَشَدَائِدِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

﴿وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾، به ما هم گفتند: «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو»^۹؛ شما از راهی که امید

ندارید امیدوارتر باشید تا موحدانه زندگی کنید. در این حدیث نورانی به سه آیه هم تمسک کردند، گفتند وجود

مبارک موسای کلیم مثلاً به طمع نار رفت ولی نور نصیبش شد. او در کوه طور از راه دور ناری را دید. هوای سرد

عائله هم همراه او گفت شما اینجا باشید بروم یک مقدار آتش بیاورم که گرم بشوید. این به امید نار رفت ولی نور

وحی و نبوت نصیبش شد. آن بانوی سبأ به طمع کارهای سیاسی و موفقیت‌های سیاسی رفته نزد سلیمان (سلام الله

علیه)، اسلام نصیبش شد گفت: ﴿وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^{۱۰} در خیلی از موارد بود که اینها به امید

یا طمع چیز کمی رفتند ولی به چیز مهم‌تری نائل شدند. ساحران فرعون به طمع جایزه و به امید جایزه رفتند گفتند

اگر شما پیروز شدید بر موسای کلیم (سلام الله علیه) فلان جایزه برای شماست اینها به طمع یا به امید جایزه رفتند

۷. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ص: ۲۸۱

۸. سوره آل عمران، آیه ۹؛ سوره رعد، آیه ۳۱.

۹. الامالی (للصدوق)، ص ۱۷۸؛ «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ (عليه السلام) خَرَجَ يَتَّبِسُ لِأَهْلِهِ نَارًا فَكَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَرَجَعَ نَبِيًّا وَخَرَجَتْ مَلِكَةُ سَبَأٍ فَأَسْلَمَتْ مَعَ سُلَيْمَانَ وَخَرَجَ سَحَرَةُ فِرْعَوْنَ يَطْلُبُونَ الْعِزَّةَ لِفِرْعَوْنَ فَرَجَعُوا مُؤْمِنِينَ».

۱۰. سوره نمل، آیه ۴۴.

ولی نور اسلام نصیبشان شده است که اسلام آوردند گرچه شربت شهادت نوشیدند؛ لذا این یک اصل کلی در دین ماست که «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَىٰ مِنْكَ لِمَا تَرْجُو» تا پیوند تقوا با غیب محفوظ باشد.

فرمود: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾، گفتند این آیه در برابر آیه سوره مبارکه «طه» است. در سوره «طه» فرمود: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي﴾، کسی از نام من و یاد من اعراض بکند، ﴿فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾،^{۱۱} «ضنک»؛ یعنی تنگ. این در سختی قرار می‌گیرد. ممکن است مال فراوانی دستش باشد اما همیشه گرفتار یا زندان است یا فراری است. اینکه از یاد خدا و نام خدا فاصله گرفته است در فشار است. آن‌که به نام خدا و یاد خداست در فراخ است. ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾، در قبالش: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾. این ممکن است خیلی چیز داشته باشد؛ اما ناچار است فرار کند یا ناچار است مخفیانه زندگی کند یا گرفتار فقر توانفرساست یا گرفتار داشتن و بیچارگی و بدبختی است.

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾؛ ما او را در قیامت کور محشور می‌کنیم. این در قیامت اعتراض می‌کند می‌گوید که چرا ما را کور محشور کردی؟ این دو تا مطلب دارد: یکی اینکه این کوری «يوم القيامة» را تفسیر می‌کند؛ یکی هم تعلیل می‌کند. تفسیر یعنی اینکه می‌گوید کوری در قیامت یعنی چه؟ تعلیل این است که چرا ما تو را کور محشور کردیم؟ اما آن تفسیر معنای کوری «يوم القيامة» که ﴿نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾، نه یعنی کور، بلکه یعنی بهشت را نمی‌بیند، انبیا را نمی‌بیند، مؤمنین را نمی‌بیند، فضایل را نمی‌بیند، جهنم را می‌بیند، نعره جهنم را می‌بیند، مار و عقرب را می‌بیند. بعد تعلیل: اعتراض می‌کند که ﴿لَمْ حَشَرْتَنِي أَعْمَى﴾؟^{۱۲} خدا می‌فرماید ما که کاری نکردیم، هر طوری که در دنیا بود همان طور محشور کردیم. اینکه می‌گوید

۱۱. سوره طه، آیه ۱۲۴.

۱۲. سوره طه، آیه ۱۲۵.

چرا مرا کور محشور کردی من اینها را نمی بینم؟ ﴿رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا﴾، مگر بنا نبود انسان به هر نحوه هستند محشور بشوند؟ من در دنیا بینا بودم چرا مرا کور محشور کردی؟ جواب: ﴿كَذَلِكَ آتَيْنَا آيَاتِنَا فَنَسِيَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾، ما هیچ کاری نکردیم، ما تو را کور نکردیم. تو در دنیا مسجد و مراکز مذهب و حوزه و دین و قرآن و عترت و اینها را نمی دیدی مراکز فساد را می دیدی. الآن همان طور محشور کردیم، ما که کاری نکردیم. در دنیا این همه مراکز فرهنگی بود، آنها را نمی دیدی، هر جا جای فساد بود آن جا را می دیدی. الآن هم انبیا و اولیا و بهشت و صلحا را نمی بینی، اینها که در قیامت کور هستند می گویند: ﴿رَبَّنَا ابْصِرْنَا وَ سَمِعْنَا﴾؛^{۱۳} همین ها می گویند. ذات اقدس الهی وقتی جهنم را نشان شان داد فرمود: ﴿أَفَسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ﴾؛^{۱۴} در دنیا می گفتی اینها حرف است! حالا حرف است یا می بینی؟ اینها می گویند: ﴿رَبَّنَا ابْصِرْنَا وَ سَمِعْنَا﴾. این است که در قیامت کور محشور می شوند؛ یعنی کور از فضایل و اولیا و انبیا. در دنیا کسی مسجد و مرکز مذهب و قرآن و عترت را نبیند، در آخرت هم نمی بیند فقط جهنم را می بیند. پس این طور نیست که ﴿وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾؛ یعنی کور محشور می شود. این تفسیر عمی، یک؛ تعلیل عمی، دو؛ هر دو در سوره مبارکه «طه» است. آنها می گویند: ﴿رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى﴾، جواب می دهد ما که اعمی نکردیم. ﴿كَذَلِكَ﴾؛ یعنی «کذلک» ﴿أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَهَا﴾؛ این آیات ما را ندیدی امروز هم نمی بینی، همین! وگرنه این همه جهنم را ما به تو نشان می دهیم، این همه کفار و منافقین را نشان می دهیم.

این طور نیست که کسی مراکز دین را اینجا نبیند آن جا بتواند اهل بیت را ببیند امام حسین را ببیند. این طور نیست هر چیزی حسابی دارد. آن جا نتیجه کار ماست. فرمود ما هر کاری که تو در دنیا کردی، ﴿كَذَلِكَ﴾؛ یعنی

۱۳. سوره سجده، آیه ۱۲.

۱۴. سوره طور، آیه ۱۵.

«کذلک» یعنی هر طور بودی ما محشور کردیم. مرد بودید، دست و پا داشتید همین طور! چیزهای خوب را نمی‌دیدید، چیزهای بد را می‌دیدید، الآن هم همین طور است، ﴿كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾. نسیان یعنی ترک. ما ترک کردیم، تو آن‌جا دین را ترک کردی، ما هم اینجا ترک کردیم. یک چنین جهانی است، این طور نیست که بیخود چیزی را بر او تحمیل کنند که خودش در دنیا با دست خودش تأمین نکرده است.

پس اینکه فرمود: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً﴾، در قبالش ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَيرزقه مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾. این دفاع مقدس معجزه قرآن است. شما نمی‌دانم آن وقت یادتان است یا نه؟ بودجه نفت را روی هر بشکه ۲۴ دلار بستند. ۲۴ دلار! گفتند سه هشت تا ۲۴ تا. هشت دلارش صرف بودجه عمرانی. هشت دلارش صرف حقوق کارمندان. هشت دلارش صرف جنگ. این بودجه‌ای بود که بستند. این تاریخ بیهقی نیست! این برای گذشته نیست این برای زمان خود ماست. بودجه با ۲۴ دلار بسته شد. بنا شد سه هشت تا، ۲۴ تا؛ کشور با این بگردد. همین استکبار جهانی همین استعمار همین بریتانیا همین روباه پیر همین صهیونیسم اینها نشستند نشستند نشستند تمام ذخائر نفتی را بیرون آوردند عده زیادی را هم وادار کردند که تولید را زیاد کنند نفت شده بشکه‌ای هشت دلار. حالا بودجه روی ۲۴ دلار بسته شد. نفت شده هشت دلار؛ یعنی یک سوم. آن هم خلیج فارس ناامن. کشتی‌ها را مرتب می‌زدند. ایران مجبور بود که بیمه آنها را هم بدهد، هزینه آنها را هم بدهد با کشتی خودش نفت را از این منطقه خطر بیرون ببرد حالا چقدر می‌ماند خدا می‌داند! این کشور بود. چگونه شد در آن بحران حفظ شد؟ فقط خدا، فقط امام، فقط قرآن. معجزه یعنی همین! این را بررسی کنید این برای تاریخ بیهقی نیست این برای دویست سال و سیصد سال قبل نیست. این همین زمان بود این همین امام بود این همین شهدا بودند

همین مبارزین بودند همین شما و پدران شما و فرزندان شما بودند. کشور اداره شد. پیروز شد با همان هشت دلار. چه طور شد؟ ما چه می‌دانیم چه طور شد؟ آنکه مسئول است گفت من اداره می‌کنم و کرد.

الآن چند تا موش و چند تا بانکی بی‌عرضه آمدند این بساط را فراهم کردند همه چیز در این مملکت هست. چرا زیاد می‌خرند؟ چه حرصی است؟ چرا ما موش باشیم؟ این آیه‌ای که فرمود: ﴿وَكَايْنٍ مِّنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا

اللَّهُ﴾^{۱۵} فرمود چرا مثل موش زندگی می‌کنید که می‌خواهید پس‌انداز کنید؟ چرا مثل کبک و کبوتر نیستید؟

میلیون‌ها ماهی صبح بلند می‌شوند تا غروب می‌گردند در دریا بانکی ندارد پس‌اندازی ندارد موش نیست، شام و

نهارشان تأمین است. میلیون‌ها پرنده از جایی به جایی بال بال می‌زنند با دست خالی می‌آیند با دست خالی

می‌روند، ولی با شکم پر برمی‌گردند. فرمود چرا مثل اینها نیستید؟ چرا مثل کبک نیستید؟ چرا مثل کبوتر نیستید؟

چرا مثل این مرغ‌های فضایی نیستید؟ چرا مثل موش زیر زمین هستید؟ ای کاش به ما می‌گفتند هرشب قرآن به

سر بکنید! اینها عملی هم شد مهاجرین را چه کسی راه انداخت؟ چه عاملی مهاجر را راه انداخت از مکه به

مدینه؟ اینها بال بال، بال بال زدند با دست خالی آمدند. همین آیه اینها را راه انداخت. فرمود موش را ما روزی

می‌دهیم کبک را هم ما روزی می‌دهیم، شما کبک باشید بال بزیند بروید در مدینه، اگر ما شما را تأمین نکردیم،

کردند. این قرآن است، این دین است!

آن وقت حالا ما چهار تا مسئول بی‌عرضه داریم چهار بانکی بی‌عرضه داریم چهار تا موش داریم این به کشور

آسیب نرساند، به انقلاب آسیب نرساند، به نظام آسیب نرساند. این شهدا حیّ هستند. مرزوق‌اند، طلبکارند و آه

اینها اثر دارد. این آیات اثر دارد.

پس ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ﴾ ما تجربه کردیم. ﴿يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾، از آن طرف: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً﴾. هیچ کس بدون روزی نمرده است. فرمود شما بکوشید:

چو سرو و سنبله بالاروش باش *** بنفشه وار سوی پست منگر^{۱۶}

همه اش گرفتار انبار و ذخیره نباشیم. الآن بحث، بحث طلاق است می بینید بحث اقتصاد و بحث تقوا و اینها را ذکر می کند. این ﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ﴾،^{۱۷} با ﴿يُزَكِّيهِمْ﴾ را به هم می دوزد و گر نه الآن بحث فقهی است در بحث فقهی چه کار به مسائل اقتصادی دارد؟ می گوید این کار را بکن، ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَ يَرْزُقْهُ﴾، آن جا هم فرمود: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً﴾. ما اینها که در دنیا این گونه هستند در قیامت هم همین طور محشور می کنیم. ما کسی را کور محشور نمی کنیم. آنها اعتراض می کنند، خدا می فرماید نه، ما تو را کور نکردیم این جهنم و همه را می بینی: ﴿أَفَسِحْرُ هَذَا﴾ آنها می گویند: ﴿رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَ سَمِعْنَا﴾. این خداست؛ لذا فرمود این کار را نکنید جامعه را به هم نزنید مضطرب نکنید. ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾، ما به هر حال باید وکیل بگیریم. مگر ما همه امور را بلد هستیم؟ هیچ وکیلی نیست مگر خدا. ما هر اندازه که او دستور داد عمل بکنیم، بقیه را او تأمین می کند. ﴿وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ﴾، ببینید اثنای بحث طلاق است، اثنای بحث فقهی است. این می شود نور، برای اینکه شما هیچ علمی نمی بینید هیچ کتابی نمی بینید که در مسائل فقهی حالا سفارش تقوا بکنند. نه در عقلیات این طور است، نه در تقلیات این طور است.

۱۶. دیوان شمس، غزل ۱۰۴۴.

۱۷. سوره بقره، آیه ۱۲۹.

﴿قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾؛ خدا برای هر چیزی اندازه‌ای معین کرده است. فرمود: ﴿وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾؛ عده را بشمارید. عده را یک مقدار در سوره مبارکه «بقره» یک مقدار اینجا فرمود؛ فرمود: ﴿وَ اللَّائِي يَسْنَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِذَا ارْتَبْتُمْ﴾، که آیا یائسه‌اند واقعاً یا در حالت ریه‌اند؟ این ﴿فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ﴾؛ سه ماه این یک گروه. ﴿وَ اللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ﴾؛ اینهایی که یا حالا به حد یأس نرسیدند، در سن «من تحيض» هستند و «لا تحيض»؛ یا اصلاً حائض نشدند، اینها هم سه ماه. این هم دو گروه. ﴿وَ أُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾؛ اگر کسی باردار بود و مطلقه شد، عده او وضع حمل اوست. بعد می‌فرماید: ﴿وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾. «یُسْر» هم مستحضرید که قرآن کریم فرمود هر جا سختی باشد دو برابر آن آسانی است. در روایت است این مضمون که اگر سختی برود در سوراخی، آسانی می‌آید آن را به فشار از سوراخ در می‌آورد.^{۱۸} اما آن را از این آیه کریمه استفاده کردند که ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾، مستحضرید که هم یُسْر تکرار شده هم عُسْر. منتها عُسْر با «الف و لام» تکرار شده، یُسْر بدون «الف و لام» تکرار شده است. عُسْر با «الف و لام» یعنی دومی همان اولی است. ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾، «العسر» دومی همان «العسر» اولی است چون با «الف و لام» است و اشاره به عهد است؛ یعنی همان یکی. اما «یُسْر»ها چون «الف و لام» ندارند دو تا یُسْر هستند؛ یعنی هر جا سختی باشد یُسْر آن دو برابر است. این وعده خداست. ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾؛ یعنی هر جا سختی باشد دو برابرش آسانی است. اگر پنجاه درصد سختی است صد درصد آسانی است. چرا ما باور نکنیم؟

۱۸. نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۶۴۹.

﴿ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ﴾؛ لغزش ها را برمی دارد، می پوشاند و کم کم رفع می کند

بعد ﴿وَيُعْظِمُ لَهُ أَجْرًا﴾، که امیدواریم - إن شاء الله - این نظام به برکت صاحبش محفوظ بماند.

«و الحمد لله رب العالمين»